

بعد از سال  
۲۰۱۱ که او با ما به  
سیاست‌های  
دهه‌ی ۹۰ که مورد  
توجه بود برگشت و  
مفهوم و تمرکزشان  
را به آسیا بردند،  
عملاً چین به لحاظ  
اقتصادی رشد خود  
را کرده بود

قبل از شروع بحث اصلی، به نظر من عنوانی که مؤلف کتاب برای کتاب گذاشته بود، با محتوای کتاب خیلی همسویی بیشتری داشت (اسناد افغانستان: تاریخ پنهان جنگ)، اما برای ترجمه عنوان جنگ پنهان گذاشته شده است، به نظر من تاریخ پنهان جنگ که خود مؤلف روی کتاب گذاشته است، یک مقدار هم‌سویی بیشتری با محتوا ایجاد می‌کند.

آن چیزی که باعث شد آمریکایی‌ها به افغانستان حمله کنند، بر حسب ظاهر، حادثه‌ی ۱۱ سپتامبر بود. من فقط دوسه نکته در مورد ۱۱ سپتامبر می‌گویم و سپس عبور می‌کنم. به نظر من در مورد این حادثه دوسه بحث قابل توجه وجود دارد. اینکه برای اولین بار، ماده‌ی ۵ ناتو فعال شد. تا قبل از آن، با اینکه بعد از جنگ جهانی دوم ناتو شکل گرفته بود، ولی هیچ وقت حتی در طول تاریخ جنگ سرد هم ماده‌ی ۵ فعال نشد. به نظر من ماده‌ی ۵ ناتو فعال شد. نکته‌ی دوم مجوزی بود که دولت آمریکا از کنگره‌ی این کشور گرفت که مانند چک سفیدی بود که هر زمانی که بخواهد، به هر جایی بدون اخذ مجوز حمله کند. نکته‌ی سوم به نظر من اثرات جانبی این دهه‌ای بود مبارزه با تروریسم اولویت اول استراتژی امنیت ملی آمریکا بود. یکی از مهم‌ترین اثرات آن این دهه به دهه‌ی غفلت معروف شده است - روی چین بود. شما از GDP چین را از ۱۹۶۰ تا ۲۰۲۰ یا ۲۰۲۲ مقایسه کنید، بین فاصله‌ی ۲۰۰۰ تا ۲۰۱۰، GDP چین ۵ برابر می‌شود. در هیچ مقطع دیگری شما این رشد GDP چین را نمی‌بینید که این مقدار گسترش پیدا کند و این به این جهت است که بعد از سال ۲۰۱۱ که او با ما به سیاست‌های دهه‌ی ۹۰ که مورد توجه بود برگشت و مفهوم و تمرکزشان را به آسیا بردند، عملاً چین به لحاظ اقتصادی رشد خود را کرده بود.

نکته‌ی آخرین است که اهمیت این مسئله به اندازه‌ای بود که آن را با پایان جنگ سرد هم مقایسه کردند. بنابراین به نظر من، فارغ از اینکه چه نگاهی نسبت به ۱۱ سپتامبر داریم، نمی‌توانیم اثراتی که ۱۱ سپتامبر داشت را نادیده بگیریم.

من صحبت‌های خودم را در مورد این کتاب را به سه بخش تقسیم کردم. در بخش اول در مورد مستندات این کتاب صحبت می‌کنم. در بخش دوم، بخشی از اطلاعاتی که به نظرم مهم بوده و در این کتاب به آن اشاره شده است، خدمت دوستان عرض می‌کنم و در بخش سوم، ارزیابی که نسبت به این کتاب وجود دارد را می‌گویم.

در مستندات، مستندات این کتاب - همانطور که جناب آقای کاظمی قمی اشاره کردند - تماماً تاریخ شفاهی است. اهمیت تاریخ شفاهی به این است که تمام کسانی که مورد مصاحبه قرار گرفتند، شاید در آن مقطع فکر نمی‌کردند که مصاحبه‌های آنها بخواهد public (عمومی) شود. بنابراین حرف خودشان را می‌زدند. دوم اینکه آدم‌هایی بودند که یا در حوزه‌ی سیاست یا در حوزه‌ی سیاسی درگیر موضوع بودند (یا در ستاد فرماندهی یا در میدان). بنابراین اطلاعات آنها تا حدودی قابل توجه بود.

همانطور که نویسنده اشاره کرده است، ۵ منبع تاریخ شفاهی در این کتاب وجود دارد (از بازرس ویژه تا مصاحبه‌های ویژه‌ی وزارت دفاع، مرکز تاریخ شفاهی ویرجینیا و یک مرکز دیگر). در همین بخش مستندات، روزنامه واشنگتن پست ادعا می‌کند که دو بار طرح دعوی حقوقی کرده است، سه سال زمان برده است، تازه توانسته است ۲۰۰ صفحه از مصاحبه‌های تاریخ شفاهی را بدست آورد (یعنی خیلی کم). در این ۲۰۰ صفحه، ۸۵ درصد اسامی سانسور شده است و شما نمی‌دانید کسی که این حرف رازده است، در چه پست و موقعیتی قرار داشت.

نکته‌ی آخری که در بخش اول می‌خواهم خدمت دوستان عرض کنم این است که به نظر من